

بهین پارسی

واژه‌نامه‌ای از واژه‌های نوساخته فارسی، همراه با ساختار صرفی و ریشه هر واژه. خواندنی و جست‌وجوپذیر؛ بدون ثبت‌نام و بدون پیشنهاد کاربر.

۹۷ واژه ۰ آخرین به‌روزرسانی ۱۱ شهریور ۱۴۰۵

متن‌ها زیر پروانه کرییتیو کامنز ۴/۰ CC BY-SA منتشر می‌شوند.

واژه	معنی	ساختار	نقش دستوری	برابر بیگانه
آزادانه	به شیوهٔ آزاد	آزاد + انه	قید	freely
ارزشمند	دارندهٔ ارزش	ارزش + مند	صفت	valuable
اندیشمند	دارندهٔ اندیشه	اندیش + مند	صفت	thinker
اندیشه‌نامه	دفتری از جستارها و اندیشه‌ها	اندیشه + نامه	اسم	—
ایران‌شهر	نامِ کهنِ سرزمین ایران به‌مثابه یک کل سیاسی	ایران + شهر	اسم	—
ایران‌شهری	منسوب به ایران‌شهر و اندیشهٔ آن	ایران‌شهر + ی	صفت	—
بازآفرینی	از نو آفریدن	باز + آفرین + ی	اسم	recreation
بازاندیشی	دوباره اندیشیدن به چیزی	باز + اندیش + ی	اسم	rethinking
بازخوانی	دوباره خواندن و سنجیدن	باز + خوان + ی	اسم	re-reading
بازنگری	دوباره نگریستن و اصلاح‌کردن	باز + نگر + ی	اسم	revision
بالگرد	گردندهٔ بالادار	بال + گرد	اسم	helicopter
بایگانی	جای نگاهداریِ سامان‌مندِ اسناد	بایگان + ی	اسم	archive
برون‌داد	آنچه از یک سامانه بیرون می‌آید	برون + داد	اسم	output
برون‌سپاری	سپردن کار به بیرون از سازمان	برون + سپار + ی	اسم	outsourcing
بزرگراه	راه پهن و پرشتاب	بزرگ + راه	اسم	highway
بی‌طرفی	به هیچ سو نگراییدن	بی + طرف + ی	اسم	neutrality
بی‌کرانگی	کرانه نداشتن	بی + کرانه + گی	اسم	boundlessness
پردازش	کارِ پرداختن و سامان‌دادنِ داده	پرداز + ش	اسم	processing
پژوهشگاه	جای پژوهش	پژوهش + گاه	اسم	research institute
پژوهشگر	انجام‌دهندهٔ پژوهش	پژوهش + گر	اسم	researcher
پس‌زمینه	زمینهٔ پشتِ چیزی	پس + زمینه	اسم	background
پیامک	پیام کوتاهِ تلفنی	پیام + ک	اسم	SMS
پیش‌درآمد	آنچه پیش از متن اصلی می‌آید	پیش + درآمد	اسم	prelude
پیش‌نمایش	نمایشِ پیش از انتشار	پیش + نمایش	اسم	preview

واژه	معنی	ساختار	نقش دستوری	برابر بیگانه
پیوست	آنچه به متن پیوست می‌شود	پیوست	اسم	appendix
پیوندگاه	جای به‌هم‌پیوستن	پیوند + گاه	اسم	junction
تارنگار	نوشتار پیوسته شخصی بر تارنما	تار + نگار	اسم	blog
تارنما	جایگاهی بر تار جهان‌گستر که چیزی را می‌نماید	تار + نما	اسم	website
جهان‌بینی	شیوه نگریستن به جهان	جهان + بین + ی	اسم	worldview
جهان‌گستر	گسترده در سراسر جهان	جهان + گستر	صفت	worldwide
چینش	شیوه کنار هم نهادن	چین + ش	اسم	arrangement
خردمندانه	از سرِ خرد	خرد + مند + انه	قید	judiciously
خودآگاهی	آگاه‌بودن به خویش	خود + آگاه + ی	اسم	self-awareness
خودبستگی	به خود بسنده‌بودن	خود + بسنده + گی	اسم	self-sufficiency
خودرو	رونده به خودیِ خود	خود + رو	اسم	automobile
خودکامگی	به کامِ خود فرمان‌راندن	خود + کامه + گی	اسم	despotism
دانشگاه	جای دانش‌آموختن در بالاترین پایه	دانش + گاه	اسم	university
دانشنامه	نوشتاری که دانشِ یک زمینه را گرد می‌آورد	دانش + نامه	اسم	encyclopedia
درس‌گفتار	سخنرانی آموزشی دربارهٔ یک موضوع	درس + گفتار	اسم	lecture
درون‌داد	آنچه به یک سامانه وارد می‌شود	درون + داد	اسم	input
درون‌مایه	مایهٔ اصلیِ درونِ یک اثر	درون + مایه	اسم	theme
رایانامه	نامهٔ فرستاده‌شده از راه رایانه	رایان + نامه	اسم	email
رایانه	دستگاهی که داده را می‌سجد و می‌پردازد	رایان + ه	اسم	computer
رسانه	آنچه پیام را می‌رساند	رسان + ه	اسم	medium
روایتگر	بازگوکنندهٔ روایت	روایت + گر	اسم	narrator
ریشه‌شناسی	دانش شناختِ ریشهٔ واژه‌ها	ریشه + شناسی	اسم	etymology
زایشگاه	جای زاده‌شدن	زایش + گاه	اسم	maternity ward
زبان‌شناسی	دانش شناختِ زبان	زبان + شناسی	اسم	linguistics

واژه	معنی	ساختار	نقش دستوری	برابر بیگانه
زیرساخت	ساختِ زیرینِ یک سامانه	زیر + ساخت	اسم	infrastructure
زیرمجموعه	مجموعه‌ای درونِ مجموعه‌ای بزرگ‌تر	زیر + مجموعه	اسم	subset
زیست‌بوم	بومِ زندگیِ جانداران	زیست + بوم	اسم	ecosystem
زیست‌شناسی	دانشِ شناختِ زندگی	زیست + شناسی	اسم	biology
سخت‌افزار	ابزار ملموسِ رایانه	سخت + افزار	اسم	hardware
سنجش	کارِ اندازه‌گرفتن و سنجیدن	سنج + ش	اسم	measurement
شاهراه	راه اصلی و مادر	شاه + راه	اسم	arterial road
شهروند	دارندهٔ حق و تکلیف در شهر و کشور	شهر + وند	اسم	citizen
شهریاری	فرمانروایی بر شهر و کشور	شهریار + ی	اسم	sovereignty
طرح‌واره	چیزی مانندِ طرح، طرحِ خام	طرح + واره	اسم	schema
فرابخشی	فراتر از یک بخش	فرا + بخش + ی	صفت	cross-sectoral
فراروایت	روایتِ کلانی که روایت‌های دیگر را در بر می‌گیرد	فرا + روایت	اسم	metanarrative
فرمانروایی	فرمان‌راندن بر سرزمین	فرمان + روا + ی	اسم	rule
فروپاشی	از هم پاشیدن به سوی پایین	فرو + پاش + ی	اسم	collapse
فردست	در جایگاهِ پایین‌تر	فرو + دست	صفت	subaltern
فرهنگستان	نهادِ پاسداری و پرورشِ زبان و فرهنگ	فرهنگ + ستان	اسم	academy
قانون‌گرایی	گرایش به حکومتِ قانون	قانون + گرا + ی	اسم	rule of law
کارگاه	جای انجامِ کار	کار + گاه	اسم	workshop
کارگزار	گزارندهٔ کار، مجری	کار + گزار	اسم	agent
کتاب‌شناسی	دانش و فهرستِ شناختِ کتاب‌ها	کتاب + شناسی	اسم	bibliography
کشورداری	کارِ اداره‌کردنِ کشور	کشور + دار + ی	اسم	statecraft
کنشگر	انجام‌دهندهٔ کنش	کنش + گر	اسم	activist
گفتمان	سامانهٔ سخن و معنا در یک زمینه	گفت + مان	اسم	discourse
گفت‌وگو	سخن‌گفتنِ دوسویه	گفت + و + گو	اسم	dialogue

واژه	معنی	ساختار	نقش دستوری	برابر بیگانه
گلزار	جای فراوانی گل	گل + زار	اسم	flower garden
ماهواره	چیزی مانند ماه که بر گرد سیاره می‌گردد	ماه + واره	اسم	satellite
مردم‌سالاری	سالاری مردم بر سرنوشت خویش	مردم + سالار + ی	اسم	democracy
مرزبان	نگاهدارندهٔ مرز	مرز + بان	اسم	march-warden
ملی‌گرایی	گرایش به ملت و منافع آن	ملی + گرا + ی	اسم	nationalism
میان‌افزار	لایهٔ واسط میان دو نرم‌افزار	میان + افزار	اسم	middleware
میانجی	واسطهٔ میان دو سو	میان + جی	اسم	mediator
میان‌رشته‌ای	در میان چند رشتهٔ دانشی	میان + رشته + ای	صفت	interdisciplinary
نابسامانی	سامان‌نداشتن	نا + بسامان + ی	اسم	disorder
ناکارآمدی	کارآمد نبودن	نا + کارآمد + ی	اسم	ineffectiveness
ناهمگونی	همگون نبودن	نا + همگون + ی	اسم	heterogeneity
نرم‌افزار	ابزار ناملموس رایانه	نرم + افزار	اسم	software
نگارش	کار نوشتن	نگار + ش	اسم	writing
نگهبان	نگاهدارنده	نگه + بان	اسم	guardian
نمبر	دستگاهی که نمای نوشته را می‌برد	نما + بر	اسم	fax
نویسه	یکای نوشتاری، حرف	نویس + ه	اسم	character
واژگان	مجموعهٔ واژه‌های یک زبان یا زمینه	واژه + گان	اسم	vocabulary
واژه‌نامه	نوشتاری که واژه‌ها را گرد می‌آورد	واژه + نامه	اسم	dictionary
ویرایش	سامان‌دادن و پیراستن متن	ویرا + ش	اسم	editing
هم‌اندیشی	گرد آمدن برای اندیشیدن با هم	هم + اندیش + ی	اسم	symposium
هم‌بستگی	به‌هم‌پیوستگی یک گروه	هم + بسته + گی	اسم	solidarity
هم‌رسانی	رساندن چیزی به دیگران	هم + رسان + ی	اسم	sharing
هم‌زیستی	با هم زیستن	هم + زیست + ی	اسم	coexistence
هواپیما	پیمایندهٔ هوا	هوا + پیمای	اسم	airplane

واژه	معنی	ساختار	نقش دستوری	برابر بیگانه
یکپارچگی	یک‌پارچه‌بودنِ سرزمین یا مردم	یک + پارچه + گی	اسم	integrity